

حمیرا آبروی شوهرش را برد!

غافلگیری مرد جوان در عشق خیابانی!



خانواده‌های مردم کارگری می‌کرد تا هزینه‌های خانواده را تأمین کند. در این شرایط من بازم به تحصیل ادامه می‌دادم ولی یک روز سرایدار مدرسه که فوق لیسانس داشت مرا به گوشه‌ای کشید و گفت: عاقبت تحصیل مقابلت ایستاده است. وقتی در جامعه شغلی نیست و من باید با مدرک فوق لیسانس در مدرسه سرایدار باشم تو می‌خواهی در چند سال آینده چه کار کنی؟ بهتر است به دنبال شغلی بروی که آینده داشته باشد!

من هم حرف‌های او را باور کردم و در تعمیرگاه مکانیکی خودرو مشغول کار شدم! خیلی زود به درآمد خوبی رسیدم اما متأسفانه حمیرا گویی عقده‌های دوران نوجوانی اش را تخلیه می‌کرد. او مدام عیسی‌های جراحی زیبایی انجام می‌داد و پول‌های هنگفتی را خرج می‌کرد، من هم که دیگر استاد کار ماهری شده بودم به این هزینه‌ها توجهی نمی‌کردم اما یک روز متوجه شدم که حمیرا به من خیانت می‌کند.

دیگر سقف اتاق دور سرم می‌چرخید و من خیلی ناراحت بودم اما نمی‌توانستم به خانواده‌ام چیزی بگویم یا با کسی درددل کنم! چرا که من با اصرار خودم با حمیرا ازدواج کرده بودم و به

گروه حوادث - هنگامی که مقابل دبیرستان دخترانه، عاشق حمیرا شدم، او ۴ ماه از من بزرگ تر بود ولی این موضوع هیچ اهمیتی نداشت چرا که تقریباً هم سن و سال بودیم و بسیار این سن را برای ازدواج مناسب می‌دانستم اما بعد از ۹ سال که از ازدواج من گذرد زمانی به طرز وحشتناکی غافلگیر شدم که ... این‌ها بخشی از اظهارات جوان ۲۵ ساله‌ای است که در دوراهی عشق و طلاق راهی مرکز انتظامی شده بود.

او درباره ماجرای ازدواج خود در پی عشق خیابانی به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری معراج مشهد گفت: در کلاس دوم دبیرستان تحصیل می‌کردم که عاشق حمیرا شدم. او در دبیرستان دخترانه مقابل منزل مادر من می‌خواند و من هر روز منتظر می‌ماندم تا او از مدرسه خارج شود. در آن سال‌ها من نوجوانی ورزشکار بودم و به همین دلیل قد و هیکل ورزیده و خوش تیپ داشتم. خلاصه بعد از چند تماس‌های تلفنی و دیدارهای حضوری با حمیرا بالاخره به خانواده‌ام اصرار کردم تا به خواستگاری او بروند. خانواده حمیرا هم که بسیار آشفته بودند خیلی زود این ازدواج را پذیرفتند چرا که پدر حمیرا مردی خلافکار بود و مادرش نیز در

دارد ولی متأسفانه همسر من نیز به خاطر حفظ آبرو جرئت چنین کاری را نداشت و ... حالا هم به کلانتری آمده‌ام تا در دوراهی عشق و طلاق چاره‌ای برای رهایی از این وضعیت پیدا کنم اما ای کاش ...

شدیم و قرار شد سهمی از فروش طلاها را به ما بدهد. تمامی مدارک و سرخ‌های به دست آمده نشان می‌داد کامبیز عامل این جنایت است و در نهایت مرد جوان بازداشت شد. گرچه او ابتدا منکر قتل بود اما در مواجهه با مدارک پلیسی به قتل اعتراف کرد: در رفت‌وآمدهایی که به خانه مقتول داشتم، متوجه شدم وضع مالی خوبی دارد و همین مسأله مرا وسوسه کرد تا او را به قتل برسانم. روز حادثه به همراه همسر من به خانه او رفتم و از زخم خواستم به اتاق بروم و هیچ کاری نکنم.

او ادامه داد: طبق نقشه ابتدا داخل چای موادی هوشی ریختم و زمانی که زن میانسالی نیمه‌جان شد با شمع‌دانی دو ضربه به سرش زدم و برای اطمینان دست‌ها و پاهایش را بسته و دور گردنش شالی پیچیدم. مقداری از طلاها و پول‌هایش را سرت کردیم اما از آنجایی که استرس زیادی داشتم از دو همدمم خواستم برای سرت مابقی وسایل به خانه‌اش بروند.

۱۳ سال بعد: با اعتراف متهم، همسرش نیز بازداشت شد و در دادگاه چهار متهم این پرونده پای میز محاکمه رفتند. قضات دادگاه به درخواست اولیای دم حکم قصاص کامبیز را صادر کردند و همسرش به ۱۵ سال حبس و دو متهم دیگر نیز به چند سال حبس محکوم شدند. کامبیز یک‌بار پای چوبه‌دار رفت اما موفق شد در آخرین لحظات از اولیای دم مهلت بگیرد، ولی وقتی نام مرد زندانی برای دومین بار در لیست اجرای حکم قصاص قرار گرفت با تلاش دادیار امین کرمانی نژاد از شعبه چهارم دادیاری دادرسی امور جنایی پایتخت موفق شد از اولیای دم به شرط پرداخت دیه رضایت بگیرد. اولیای دم اظهار داشتند برای رضای خدای می‌خواهند این مبلغ را صرف امور خیرخواهانه و خرید لباس برای کودکان نیازمند در شب سال نو کنند. بدین ترتیب مرد زندانی با پرداخت دیه به‌زودی آزاد خواهد شد.

پیچیده شده بود. متخصصان پزشکی قانونی زمان مرگ را ۵ روز قبل اعلام کردند. تحقیقات میدانی نشان می‌داد ۴۰۰ میلیون تومان پول نقد، ۷ کیلو طلا، سکه و ساعت طلا و مقدار زیادی وسایل با ارزش از خانه به سرقت رفته است.

ماجرای قتل زن میانسالی به خانواده‌اش اعلام و دختر مقتول راهی ایران شد و اطلاعاتی را در اختیار تیم تحقیق قرار داد که آنها را به متهمان اصلی پرونده رساند.

او گفت: ۲ روز قبل از اینکه مادرم کشته شده بود با او صحبت کردم و از اسباب کشی برام گفت. همچنین گفت که مرد جوانی به نام کامبیز کارهای مادرم را انجام می‌داده و مادر من او می‌لغی پول قرض داده است، اما چه مقدار را نمی‌دانم فقط می‌دانم که قرار بود کامبیز به خانه‌اش برود و در مورد بدهی‌اش با او صحبت کند.

بسا اطلاعاتی که دختر مقتول در اختیار مأموران قرار داد، تحقیقات برای دستگیری کامبیز ادامه یافت، همزمان مشخصات ۷ کیلو طلا و سکه به طلافروشی‌ها اعلام شد و چند روز بعد مرد طلافروشی در تماس با پلیس عنوان کرد که دو مرد برای فروش مقداری طلای بدون فاکتور به مغازه‌اش آمده‌اند.

به دنبال این تماس، مأموران راهی محل شده و دو مرد مشکوک را بازداشت کردند. دو مرد جوان در تحقیقات عنوان کردند: مدتی قبل با مردی به نام کامبیز آشنا شدیم. او با ما تماس گرفت و پیشنهاد وسوسه‌کننده‌ای داد. کامبیز از ما خواست به خانه‌ای برویم و وسایل با ارزش آن را سرت کنیم، ما هم که از سرت کردن راهی خانه مورد نظر شدیم و وسایل با ارزش را با خود بیرون آوردیم. بعد هم به خانه کامبیز رفتیم و او مقدار زیادی طلا که حدود یک کیلو انگشت‌بدر ایمان آورد و ما خواست هر چقدر می‌توانیم آنها را بفرشیم. ما هم به پیشنهاد او راهی طلافروشی

شرط زبانی برای بخشیدن مرد اعدامی در آستانه سال نو؛ کامبیز یک زن را کشته بود!

گروه حوادث - مرد جوانی که به خاطر بدهی و وسوسه سرت چند کیلو طلا زن میانسالی را کشته بود وقتی برای دومین بار اسمش در فهرست اجرای حکم قصاص قرار گرفت، در آستانه سال نو و به خاطر رضای خدا از طرف اولیای دم بخشیده شد.

۲۱ ساله‌ای جوانی با پلیس تماس گرفت و از استعلامی نامطوبعی از خانه همسایه خبر داد و گفت: مدتی قبل زن میانسالی در همسایگی خانه ما ساکن شد، اما از ۹ روز قبل او را ندیدم، فقط دو مرد از خانه او خارج شده و سوار بر موتور و خودروی که جلوی خانه پارک بود محل را ترک کردند. همه این‌ها باعث شد نگران زن همسایه شوم و احتمال می‌دهم برای او اتفاقی افتاده باشد.

به دنبال این تماس موضوع به باز پرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد و پس از هماهنگی‌های قضایی، مأموران کلانتری و آتش‌نشانی راهی محل شدند. چندین بار زنگ در خانه زن میانسالی زده شد و با توجه به اینکه کسی پاسخگو نبود، مأموران در دروازه کشته و وارد خانه او شدند. با ورود آنها به خانه، آثار به‌هم ریختگی مشاهده شد و در یکی از اتاق خواب‌ها نیز با جسد فرانک، زن میانسالی مواجه شدند.

دست و پای زن تنها بسته شده بود و از ضرباتی که به سر خورده بود و با توجه به پایه خونی شمعدانی که کنار جسد بود، مشخص شد فرانک با ضربات شمعدانی جانش را از دست داده است، گرچه دور گردن زن میانسالی نیز شالی

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۵۵۶۴۴/۰۱
به نام محمدرضا تمار مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۴۷۷۱۹/۰۱
به نام سامان داداشی مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۰۶۵۷۰/۰۱
به نام زینب عبودی مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۱۴۵۴۵/۰۱
به نام باران نوشین مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۴۴۰۳۷/۰۱
به نام عبدالمهدی طاهری مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

اصل قرارداد به شماره ۱۰۰/۸۰۸۶۲۳
مورخه ۹۱/۱۱/۲۶ و صورت مجلس
تحویل زمین منعقد فی ما بین سازمان
منطقه آزاد کیش و خانم عزت اسدی
در مورد واگذاری یک قطعه زمین به
مساحت ۲۵۰۰ متر مربع واقع
در جزیره کیش قطعه ۲۰ فاز ۴ صنعتی
مفقود گردیده و از درجه اعتبار
ساقط می‌باشد.

اصل سند خودروی هیوندا رنگ قهوه‌ای
به شماره پلاک ۲۷۶۷۷ شماره موتور
۳۳۱۶ و شماره شاسی ۴۰۰۵ به نام

معصومه صباغ مفقود گردیده است و از
درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۴۶۲۷۶/۰۱
به نام حسین ارجمند مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۶۹۶۶۷/۰۱
به نام فاطمه مقدس مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۱۵۹۲۰/۰۱
به نام سیده زیبا کاخکی مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۶۷۹۸۸/۰۱
به نام سامان علیزاده فنائلو مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۴۶۸۵۹/۰۱
به نام مرجان روشن پور مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۴۶۸۶۱/۰۱
به نام یونس طاهری مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

اصل پلاک موتور شارژی جگوار
رنگ سبز به شماره پلاک ۱۷۹۴۵
شماره موتور ۲۰۲۳ و شماره شاسی
۲۰۱۸۰۱۴۲۰۲۳ به نام مصطفی
پیردافی مفقود گردیده است
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اصل سند خودروی کیا سراتو رنگ
نقره ای به شماره پلاک ۳۲۹۳۷
شماره موتور ۰۲۸۷ شماره شاسی
۳۷۹۷ به نام اکبر گنجوی
مفقود گردیده است و از درجه
اعتبار ساقط می‌باشد.

اصل کارت اشتغال به نام حبیب الرحمن جوره
به شماره گذرنامه 1984733 و شماره پروانه کار
۲۲۲۰۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار
ساقط می‌باشد.

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۷۱۷۰۸/۰۱
به نام حامد اعلائی مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۳۴۹۲۱/۰۱
به نام مهسا باز یاران مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۳۸۹۳۷/۰۱
به نام سعید دهنوی مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

استخدام

استخدام منشی عصر ساکن کیش
یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود،
منشی شیفت عصر استخدام می‌نماید. متقاضیان
با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند.
ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب

استخدام منشی صبح ساکن کیش
یک شرکت برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود،
منشی شیفت صبح استخدام می‌نماید. متقاضیان
با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۶۹۹ تماس حاصل فرمایند.
ساعت کاری: ۸ تا ۳/۵

خدمات

خدمات برق
انجام کلیه امور برق ساختمان و
پروژه های شما - کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

مفقودی

اصل سند خودروی شورلت مالی بو
رنگ سفید به شماره پلاک ۲۲-۴۴۶۸۱
شماره موتور LE9143030110

شماره شاسی KL1GM5EU3FB020176
به نام مصطفی ارضی مفقود گردیده است
و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

صنایع چوب
حلاج کیش
کلیه سفارشات
MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲